

بسم الله الرحمن الرحيم

کمدی پارازیت



نویسنده: حسن سالارمنش

سبک کمدی : سورئال

(منتخب حضور در بخش جایزه ادبیات نمایشی فجر بین المللی تهران 1396 در بخش های تولیدی و حرفه ای و اولین نمایش نامه کمدی کشور در حوزه پزشکی و آناتومی بدن)

کاراکترها :

1. قلب {قرمز، پاک و ساده و احساساتی}
2. معده {به شکل لوبیا چیتی رنگ قهوه ای که رنگ قرمز روی آن پاشیده شده هست، شکمو با بوی بسیار گند }
3. مغز { سفید، متفکر که بر اثر تصادف ضربه دیده و هنوز به این خیال هست که فرمانروا بدن است }
4. ریه { خاکستری متمایل به سبز، به علت استفاده مکرر فرد از سیگار همیشه در حال سرفه کردن }
5. کبد { جیگری، حسود ولی شجاع }
6. انگل بزرگ اسکاریس { سیاه رنگ، زشت بابوی گند و بسیار کثیف }
7. انگل کوچک کدو { سیاه رنگ، زشت بابوی گند و بسیار کثیف }

خلاصه نمایش نامه :

فردی به علت رعایت نکردن علائم راهنمایی و رانندگی و سرعت بیش از حد مجاز دریکی از خیابان های شهر تصادف کرده و به نظر میرسد ضربه مغزی شده در اثر این تصادف بعضی از اعضا بدنش از داخل شکمش بیرون می آیند و این اعضا بدن دوست ندارن با جسد دفن بشن و خواستار زندگی دوباره هستن از این رو انگل هایی که از سال های قبل داخل لوله گوارش فرد زندگی میکردن در دسر ها و مزاحمت هایی برای بدن به وجود میان و انگل بزرگ اسکاریس برای ضربه زدن به بدن دروغی عاشق قلب میشود در حال که مغز خود را فرمانروا بدن می دانند و در اثر این تصادف بسیار ضعیف شده است معتقد است برای نجات از دست انگل ها همه از او بایداطاعت کنند....

توضیحات نمایش نامه :

این نمایش نامه به سبک سورئال می باشد و نمایش نامه فراتر از واقعیت می باشد که نویسنده سعی کرده به موضوعاتی اجتماعی مهمی که در جامعه رخ می دهد بپردازد موضوعاتی مثل اهدا اعضا بدن پس از مرگ، خرید و فروش کلیه در جامعه بر اثر فقر، استفاده های بی رویه از مشروبات الکلی و مصرف دخانیات و رعایت نکردن حقوق شهروندان و علائم راهنمایی و رانندگی، سلامت ی افراد و رعایت نکردن نکات بهداشتی، پرخوری افراد و عوامل بیماری های انگلی از جمله انگل اسکاریس که یکی از شایع ترین بیماری های در جهان و از جمله ایران می باشد و ... اما چند نکته مهم برای اجرای این نمایش نامه کارگردانان محترم برای طراحی دکور هر چیزی که میدانند ضروری است انجام دهند در انتها صحن پنج اتاقک به عنوان بدن فرد وجود دارد که درب این اتاقک ها باید با پلاستیک نازک و سیاه بعد از مستقر شدن بازیگران و از ابتدا نمایش پوشانده شود و هر کدام از اعضای بدن به ترتیب مغز، قلب، کبد، ریه، معده در آن قرار بگیرند و برای طراحی نوربهرتر است پنج چراغ در این اتاقک ها نصب شود کف پلاتو یا صحن رامیتوان با تیکه های رنگی قرمز خونی و یا هم پارچه ساتن قرمز پوشاند و طناب های سرخ و سیاه که به عنوان سرخ رگ و سیاهرگ بدن از سقف اویزان شود در طرف سمت راست صحن لوله ی بزرگی به عنوان لوله ی گوارش وجود دارد که دو انگل در آن زندگی می کنند که جای بسیار کثیف با بوی بد که می توان این لوله را با مقوا ساخت، بهتر است برای طراحی لباس و گریم هر شخصیت با رنگ خود باشد مثلا جگر به رنگ جگری و ...

سخن آخر: می توان این نمایشنامه را با هفت نقش خانم یا هم هفت نقش اقا هم اجرا کرد. اما بهتر است برای زیبایی کار نقش قلب و کبد خانوم باشند و بقیه ی نقش ها مرد باشند.

صحنه:

همه چراغ های صحن خاموش می باشد صدای جیغ وحشیانه ی موسیقی شروع می شود با ورود انگل ها با حالت سینه خیز از طرف سمت چپ صحن موسیقی وحشیانه اوج می گیرد بانور فلاشر انگل ها شروع به رقص می کنند،رقصی جنون آمیز و دیوانه وار کم کم نور فلاشر قطع می شود و موسیقی نیز آرام آرام کم می شود و انگل ها در لوله ی گوارش مستقر می شوند حالا صدای تپش قلب می آید و بعد از چند لحظه صدای یک تصادف شدید،و همزمان با صدای تصادف و جیغ و ناله هر کدام از بازیگران از داخل اتاقک ها به بیرون پرتاب می شوند،نور کم کم می آید.....

کبد - { نفس زنان } وای کم بود کیسه صفرام بیفته خدا را شکرزهرم نترکید

قلب- { اطرافشو نگاه میکنه } وای خدای من اینجا دیگه کدوم جهنمه

مغز - هیس.. شنیدید دوستان

معدۀ - باز دوباره هنگ کردی مغز، ما که چیزی نشنیدیم

مغز- خب صدای انفجارو، صدای جیغ یه نفر روا عصابمه...

ریه - { سرفه میکند } به جون خودم دوباره معدۀ خراب کاری کرده

معدۀ - خفه شو ریه این صدا که از من نبوده

ریه - { سرفه کنان } یعنی میخوای بگی این صدای انفجار از تو نبوده

معدۀ - خوب نه مگه قراره هر سروصدایی داخل شکم میشه مسئولیتشو من بر عهده بگیرم

مغز- هیس.. این باد معدۀ نبوده .. بلکه صدای یک تصادف شدید بود

قلب - وای روم سیاه تصادف ! نکنه واسه بچه ام ده لیز اتفاقی افتاده

معدۀ- قلب کی ازدواج کرده که ما خبر نداشتیم .. الان من چند ساله همسایه پایینی قلبم نمیدونستم

شوهر داره

ریه- {سرفه میکند} ولی من میدونستم که قلب یه ازدواجی ناموفقی با بطن داشته

مغز- من که سرم داره گیج میره ،دارم از حال میرم فکرکنم صاحبمون تصادف کرده

کبد- {جیغ میزند وبا دست به گوشه ای اشاره میکند } اون کیه اونجا افتاده ...

معدۀ- { سمتی دیگری نگاه میکند } من که چیزی نمیبینم فقط یه مقداری سنگ کلیه اونجا ریخته

ریه- { توسر معدۀ میزنه } کله پوک احمق این طرفو میگه که یک جسد کنار موتورسیکلت افتاده

معدۀ - خوب حتما جسد گندیده صاحبمونه

ریه - حتما این بوگنده اشم به خاطر خودته

قلب- میشه شما دوتا اینقد همدیگرو مسخره نکنید

معه-خوب تقصیر ریه است...

قلب-حالا چکارکنیم من که دارم تندتند میزنم بوم بوم بوم

مغز- حالا که ما داریم بی صاحب میشیم، فقط یه راه مونده اگر میخوایین هم خودمون و هم صاحبمون نجات پیدا کنه به من کمک کنید

معه - {باتمسخر} وای لوزالمعه سوخت واست نکنه با این ضربه که تو خوردی هنوز به این باوری که فرمانروا بدنی

ریه - {سرفه میکند} میگم نیم وجبی تو همه اش 150 گرمی میخوای فرمانده ماباشی

مغز- تو حرف نزن ریه از بس گردو خاک خوردی نمی تونی حرف بزنی

ریه - {سرفه کنان} داداش گردو خاک چیه این صاح ابمون بی پدر روزی چهار پاکت سیگار مصرف میکرد خدا ازش نگذره که منو به این حال روز انداخته

قلب- وای من که دوباره فشارم داره میره بالا نمیدونم چرا امروز همه اش تند تند میزنم فکر کنم اتفاق بدی میخواد بیفته

معه - خوب داری اشتباه میزنی ابجی اتفاق بده که افتاده ماهم بدبخت شدیم

کبد - وای من که دارم دیونه میشم یعنی ما الان از شکم اومدیم بیرون به همین راحتی بی صاحب شدیم

مغز- تازه هیشکی هم تو این بیابون پیدا نمیشه صاحبمونه برسونه بیمارستان...

معه- {فریاد میزند} اهای یکی بیاد ما اجمع کنه

ریه-ای خاک تو سرت با این صدات هرکی صدای تو را میشنوه به صاحبمون فحش میده میگن بی ادبه حالا این صدای گندتو ببر

معه- خب میگی چکارکنم وقتی هیچ استعدادی تو صدام نیست...

مغز- {جلوی صحنه میاد روبه تماشاگران با صدای بلند دماغشو بالا میکشه} یه بوی خاص حس میکنم

ریه- بیا اینم مونگول شده

قلب - راست میگه یه بوی تازه منم حسش میکنم

کبد - خب حتما بوی جسد صاح ابمونه

ریه - {سرفه کنان} ای بابا شما چقد خل هستین، خب معلومه بوی گند معده هست

معده - چه میگی ریه کاری نکن خفه ات کنم تا اکسیژن کم بیاری ..

قلب- {دماغشوبادست میکشه} اه شما دوتا چرا همه اش دعوا میکنید،یه لحظه صبر کنید یه بوی خاصی است یه بوی همیشگی

مغز- درسته همه چهارچشمی حواستونو جمع کنید مادرخطر حمله انگل ها وحشرات مودی قرار داریم

ریه - {سرفه میکنه} اینجا کسی نمیتونه مارا ببینه، هوای خیلی تاریکه دود همه جارو گرفته به ذهن هیچکس هم نمیداد که ما وسط این خیابون افتادیم

معده - منم باحرف ریه موافقم تو این تاریکی که چیزی دیده نمیشه

قلب- کدوم تاریکی این نور افتاب است چون همه اش داخل شکم بودیم به این نور عادت نداشتیم

مغز- من یه فکر خیلی خوبی دارم همین جا صبر میکنیم تا خودش برگرده تکلیف ما را روشن کنه

کبد- کی برگرده جناب مغز

مغز- خب صاحبمون

{همه تعجب میکنند}

کبد - ای وای مثل این که جدی جدی ضربه خوردی مغز..

معده- خاک تو مخت، مثل این که حافظه اتو از دست دادی مونگول

قلب- خجالت بکشید آقای معده این چه طریقه صحبت کردنه الان مغز به کمک ما نیاز داره اونوقت تو مسخره اش میکنی

کبد- وای چشم روشن، نمیدونستم مغز اینقد خاطر خواه داره ..

ریه - خب معلومه چون مغز خونه اشو بالا شکمه وضعش مالیش بهتر از این معده بد بوهه که پایین شکم میشینه ..

قلب- ریه کسی از تو نظرخواسته، تو هم یه پایین تنه دهاتی خوش باوری که راحت میشه گولت زد

..

مغز- {دوبار تو سر خود میزنه} وای من نمیدونم چرا دیگه نمیتونم فکر کنم کم داریم تلف میشیم

کبد- من که دیشب خواب خیلی بدی دیدم ...

معده- حتما خواب دیدی قلب و مغز باهم عروسی میکنن ریه هم خطبه عقدشونومیخونه.

کبد- نخیر هم اقا من اینقد هم حسود نیستم ، خواب دیدم داخل یه ماهی تابه پراز روغن نباتی افتادم و دارم سرخ میشم

ریه - وای چه خوب بدی دیدی یه پولی صدقه بنداز

قلب- من که دارم زیر تابش گرما میپزم

معدّه- { به لوله گوارش اشاره میکند } چندساله داخل شکم زندگی میکنم نمیدونم این لوله چیه

مغز- فکر کنم لوله خط انتقال گاز از مسکو به انکارا هست ..

قلب- مغز چون عزیزم حالت خوبه این لوله دستگاه گوارش هست چطوری یادت رفته

کبد- اخه چطوری میخوای با اون ضربه تصادفی که به سرش خورده این اتفاقاتو به یادبیاره

قلب- باید باهم همکاری کنیم تا مغز حافظه بلند مدتشو به دست بیاره

مغز- من فقط یه قرص خواب اوری میخوام چیزی که بتونه اروم کنه صدای جیغ صاح ابمون هنوز تو گوشمه ...

کبد - اینجا بیرون از شکم چقد باد میاد

ریه - { سرفه میکند بعدخنده } خوب معلومه این بادهای از معدّه خارج میشن ..

معدّه - هر هر نخذن چیه مثل بوزینه های قرن بیستم میخندی تابه حال خودتو تو اینه دیدی

ریه - منومسخره میکنی یه نگاهی به خودت بنداز مثل لوبیا چیتی هستی

معدّه - ریه کاری نکن مثل غذا به ده قسمت مساوی خردت کنم

مغز- خب راست میگه معدّه میخوای بگی این بادهای باران را تو فصل تابستان از طرف دهلیز چپ هستن

مغز- { سرشو به نشانه شرمساری پایین میندازه } خوب چکار کنم مغز جان دست خودم نیست این صاح ابمون این مدت خوراکش فقط تخم مرغ و سیب زمینی بوده ، تف توروح گندیده اش یه ذره ابرو و حیثیت توشکم واسم نذاشته ..

قلب - پشت سرمرده حرف نزن خوبیت نداره

کبد - این که هنوز نمرده تو کما ست

ریه - خوب اگر نمیسازت نخور مجبور که نیستی پر خوری کنی

معدّه - فکر نکنم به شما ربطی داشته باشه ریه مگه من میگم سیگار و قلیان نکش

ریه - اصلا به من چه بخور تا بترکی ..

قلب - اه بس کنید الان موقع دعواست درحالی که ما معلوم نیست زنده بمونیم یانه

کبد - راست میگه یه کاری کنید داریم با صاح ابمون تلف میشیم

معدۀ - وای من که دارم کم کم گشنه ام میشه فکر کنم زخم معدۀ گرفتم ..

مغز- یکی به من کمک کنه یه میله خیلی بزرگی توسر مه ...

معدۀ - حتما لوله آگزوز موتور صاحبامونه

کبد-وای مایع صفرا داره تموم میشه ..

قلب- میگم خیلی مشکوکی کبدجان چرا این قد مایع صفرا میزنی بالا

کبد-ای بابا اگر مایع صفرا نخورم نمیتونم که مواد زاید رادفع کنم بعدشم من با این کار به عمو گوارش کمک میکنم

ریه - { سرفه میکند } هرچه من نفس کم میارم تقصیر آقای گوارش خدا ازش نگذره دارم خفه میشم خدا کنه ذات الریه نگرفته باشم

معدۀ - من که یه مدتی احساس میکنم سرطان گرفتم هرچه میخورم مثل تلمبه اب میارم بالا

قلب- خب یه کم کمتر الکل و اب شنگولی بخور آقای محترم..

معدۀ - این حرف ها را چرا به من میزنی به این صاحب نداشتموبگو ..

مغز- میگم قلب توچرا همه اش تند تند میزنی "

قلب - خوب عزیزم دارم خون کثیفو به خون تمیز تبدیل میکنم ..

کبد - هیس ...یه بویی حس میکنم ،انگشتانم بوی خون میده این سرخرگ ها هم که بوی لجن میده

{ صدای جیغ وحشیانه همراه با صدای فید نويز شروع میشود نور میرود اعضای بدن هرکدام در اتاقک خود پنهان میشوند همراه با صدای تپش قلب نور فلاشر لوله گوارش را روشن میکند در زیر نور کم انگل های همراه باموسیقی وحشیانه با پای کوبیدن به زمین ودر ادامه بارقصی جنون امیز و دیوانه وار حالت تهاجمی به خود میگیرن ...در زیر نور کم موضعی }{

انگل بزرگ اسکاریس -حالم از بوی گند دهنم بهم میخوره

انگل کوچک کدو -حتما دوباره پیاز خوردی سرورم

انگل بزرگ -کله پوک کودن پیاز کیلو پنج هزار ادم ها هم نمیتونن بخورن چه برسه به ما که انگلیم

..

انگل کوچک - { روبه سمت تماشاگران } رئیس اینا برای چی به ما زل زدن ..

انگل بزرگ - کجا کدو جان اینجا که کسی نیست ...

انگل کوچک - ولی من میترسم احساس میکنم کلی ادم اینجا هست ..

انگل بزرگ - حتما دیشب تو شکم گاو بدخوابیدی

انگل کوچک – من که دارم از بوی گند خودم لجن میارم بالا

انگل بزرگ – میشه اینقد حرف نزنن من بوی طعمه احساس میکنم ..

انگل کوچک – این لنجگاه چیه که اومدیم بیرون این نور داره اذیتم میکنه

انگل بزرگ – اسم این لنجگاه زندگیه لنجگاهی بیرون از شکم ..

انگل کوچک – خوب چرا اومدیم بیرون بهتر نبود همون تو چاه فاضلاب زندگی کنیم من که از این دنیا حالم بهم میخوره ..

انگل بزرگ – واسه این که این دنلی یه جایی خیلی پاکیه و ما همیشه سعی کردیم جاهای کثیف و الوده زندگی کنیم، میگم کدو

انگل کوچک – جان کدو

انگل بزرگ – فکر کنم این چند روزی که تو چاه فاضلاب پارتی داشتیم در نبود ما اتفاقات عجیبی افتاده ..

انگل کوچک – من چه میدونم دیشب که داخل لوله گوارش خوابم برد تا صبح فقط بوی سبزی و نوشابه به دماغم میخورد

انگل بزرگ – کله پوک شب ها یه خرده کم تر توشکم پشتک بزن گردنت میشکنه

معدّه – { از داخل اتاقک شماره پنج } باز شما ها امدید انگل های کثیف و خونخوار از جون ما چه میخواین

انگل بزرگ – چه صدای آشنایی، معدّه هستی یا روده

انگل کوچک – رئیس به نظرم صدای معدّه هست روده چند روزیه توشکم دیگه سروصدا نمیکنه

معدّه – شما کی میخوایید دست از سرکچل ما بردارید ..

انگل کوچک – سروصدا نکن معدّه به جای این حرف های برو عفونتتو بدوز که بیشتر از این سوراخ نشی ..

انگل بزرگ – بنازم به این اشتها معدّه چند ساعت پیش سه نان سنگک را با یه جفت مربا هویج قورت داد ..

انگل کوچک – رئیس اجازه بدین تا هرچه سریع تر حمله را شروع کنیم

انگل بزرگ – نه کدو جان یک انگل عاقل هیچ وقت سعی در کشتن میزبان خود نمیکنه بلکه تلاش میکنه DNA خود را برای نسل های بعدی به یادگار بگذاره ..

ریه _ { سرفه میکند } خواهش میکنم از اینجا برین ، کم کم دارم تنفس کم میارم

انگل بزرگ - توباز شلوار خودتو خیس کردی ریه

ریه - نمیدونم دست خودم نیست هر وقت یه انگل میبینم شلوارمو خیس میکنم

انگل کوچک - رئیس اجازه بدین برم داخل ریه تغذیه کنم واز گوشه‌هاش بیام بیرون

انگل بزرگ- کدو جان لازم نیست این ریه کم کم داره از کار می افته، ماشالا صاحبش از بس که اهل دم و دود بوده، این اجازه را واسه تغذیه به ما داده، همین چند روز داخل ریه چادر میزنیم.

انگل کوچک - چرا خفه شدی جناب معده؟

معده- راستش من زیاد بلد نیستم حرف بزوم، عادت دارم همش سر و صدا کنم بجای اینکه حرف بزوم

ریه- {سرفه میکند} برید گم شید، گورتونو گم کنید، به ما نزدیک نشید که هرچه میکشیم از دست شماست.

انگل بزرگ- نمی دانم چرا هر خبری میشه گرفتاری آن دامنگیر ما انگل ها می شود!

انگل کوچک- آب مثانه کم میشه میگن تقصیر ماست، پوکی استخوان میشه میگن تقصیر ماست، غذا داخل معده هضم نمیشه اونم تقصیر ماست!

انگل بزرگ- آره والا، اینطور که معلومه تحریم صنعت دارو سازی کشور هم تقصیر ماست!

معده- خفه شین انگل های کثیف. تا بحال خودتونو بو کردین، بوی گندتون دنیا را برداشته...

انگل بزرگ- بیا! دیگ به دیگ میگه روت سیاه {یه کم هوا را بو میکنه} راست میگه چه بوی گندی میاد

انگل کوچک- سرورم مگه یادت رفته ما انگلیم، میخوای بوی گلاب بدیم؟

انگل بزرگ_ چی؟ گلاب چیه؟

انگل کوچک- خودم نمیدونم، چند وقت پیش روی یک قفسه کتاب داشتم کتاب می خوندم، نه نه بیخشید کتاب می خوردم پاورقی یه کتاب دیدم نوشته بود بوی گلاب!!!

ریه- {سرفه میکند} من دارم خفه میشم یکم اکسیژن بهم برسونید..

معده- قلب، کبد، مغز کجایی؟ شما چرا در برابر انگل ها واکنش نشون نمیدین؟

انگل بزرگ - به خاطر اینکه ما تمام راه های کمکو از طرف روده مسدود کردیم..

انگل کوچک - هیچ کس صدایتان را نخواهند شنید شما دیگر در دنیای امنی که می شناختین نیستین

انگل بزرگ - شما در راه به روی تالار جهنم گشودین صراحتتون رو تخت بیمارستانه فقط کافیه قلب یه لحظه وایسه 00

انگل کوچک -مغز هم که دیگه ضعیف شده همه چیزو فراموش کرده

معدۀ - شما ها همیشه انگل بودین وانگل خواهید ماند هیچ چیز نمی تواند شما را عوض کند

انگل بزرگ - از وقتی که داخل چاه توالت زندگی می کردیم انسان ها همیشه از ما در ستوه بودن وازما بدگویی میکردن

انگل کوچک - همه چیزو گردن ما میندازن از سرنوشتی که خ و دشان می توانند با رعایت نکات بهداشتی پیشگیری کنند ..

ریه - { سرفه میکند } نمیدونستم انگل های هم عذاب وجدان میگیرن

انگل بزرگ - عذاب وجدان دیگه چیه خوردنیه تا حالا نخوردم ، کدو جان میشه یه میخی واسم بیاری ..

انگل کوچک - حتما میخوای معدۀ را سوراخ کنی پدر سوخته

انگل بزرگ - همینطوره یه کم نمک و فلفل هم بیار میخوای رومعدۀ بپاشم ..

انگل کوچک - ای به چشم کدو به فدایت ، بفرمایید

{انگل ها به طرف اتاقک شماره پنج که معدۀ هست میرن ودر زیر نور کم با میخ به معدۀ میزنن ه م زمان صدای های جیغ وحشیانه و صدای های قهقهه های شیطانی انگل ها}}

معدۀ - { با اه وناله } اه ای کمک ، یکی به دادم برسه تور اخدا بس کنید دارم سورخ میشم { درهمین حال از کف اتاقک خون میاد بیرون }

انگل کوچک - قربان داره خون میاد فکر کنم معدۀ سوراخ شده ..

انگل بزرگ - بزار خون بیاد به ما چه مگه تقصیر ماست ص احابش همه اش غذا های چرب و گوشت قرمز میخورد

انگل کوچک - یا هم ادویه های تند و فلفل ..

انگل بزرگ - یه کم فلفلشو بیشتر کن ..

{انگل کوچک دوباره به سمت اتاقک میره و روی معدۀ بیشتر فلفل میپاشه و معدۀ بیشتر اه وناله میکنه }

معدۀ - بابا کافیه تور اخدا کم تر فلفل بخورین دریچه ریفلکسم باز شده

ریه - { سرفه میکند } بس کنید شما مگه خونه وزندگی ندارین

انگل کوچک - مثل این که ریه هم داره واکنش نشون میده بهتر اینو هم از پا در بیاریم

انگل بزرگ - شنیدی کدو جان ، بهش بگو ماهمه جا هستیم زیر ناخن ها، داخل چاه فاضلاب ، داخل سبزیجات

انگل کوچک – لای میوه ها ،توی پارک ها ،حتی همراه گوشت نپخته گاو

انگل بزرگ – کدو گفتی گاو ،صبح که داشتم میومدم چندتا گاو چاق دیدم تومزرعه داشتن یونجه میخوردن بگیر این حکمو برو اونجا تا میتونی داخل روده بزرگ گاو تخم گذاری کن ..

انگل کوچک – ولی قربان این ماموریتم هنوز تموم نشده اجازه بده ریه راهم ازکار بندازیم بعدمیرم

انگل بزرگ – لازم نکرده خودم ازپیشون برمیاوم ریه هم خودش داره ازکار میفته هرچه سریع تر برو تا منم برم داخل لوله گوارش یه دوشی بگیرم

انگل –ای به چشم { انگل کوچک از صحنه خارج میشود وانگل بزرگ باصدای نویز گوش خراش دوباره داخل لوله گوارش میرود }

ریه –{سرفه میکند }من نمیتونم کرم ها دارن از داخل گوشتم میان بیرون معده صدامو میشنوی

{صدای تپش قلب }

قلب – ریه میتونی نفس بکشی

ریه – { به سختی نفس میکشد وسرفه } تویی قلب چرا در برابر انگل ها واکنش نشون ندادی ..

کبد – متاسفانه انگل ها راه کمکی را از داخل روده مسدود کردن ..

ریه – { سرفه میکند } شما نتونستین مغز چرا واکنش نشون ندادی..

مغز- متاسفانه انگل های محور مخ به مخچه راهم مسدود کردن، معده زنده ای

ریه – { سرفه میکند } من که کنار معده بودم تمام سنگ کلیه ها مثل اوار ریختن رو سرش انگل های هم با فلفل سوراخش کردن ..

قلب- ای تف تورو ح صراحابمون سنگ کلیه هم داشتف

کبد – تازه فکر کنم کلیه سمت چپشو هم از بی پولی فروخته بود.

ریه – { سرفه شدید } ای به خشکه این شانس بین این قد ادم داخل شکم کی افتادیم خدا ذلیلش کنه همه مارا بدبخت کرده دارم تنفس کم میارم فک کنم دارم با زن نشسته میشم

کبد- باز نشسته عزیزم ..

ریه – حالا همینی که کبدی میگه ..

کبد- کبدی وزهرمار کبدخانم ..

قلب – من که دارم دوباره تند تند میزنم بوم بوم بوم

ریه – { سرفه میکند } خوب داری اشتباه میزنی ابجی اینقد سنگ کلیه ننذاز رو سر ما

قلب – خوب نمیتونم ریه جان فقط کافیه یه لحظه وایسم هممون از کار میفتیم"

مغز – احساس میکنم هوشمو دارم کم کم به دست میارم ..

قلب – خداراشکر خیلی خوشحالم فک کنم فامیلای صاحبمون هم خوشحال میشن

مغز – میگم کبدی

کبد- کبدی و زهر ..

مغز – چقد پروتئین و ویتامین ذخیره داری ..

کبد- تقریباً یه میلی ،چون این مدت صاحبمون اصلاً غذا پروتئین دار نخورده

قلب – ای سگ تو روح صاحبمون

مغز – خیلی کمه .. کلسیمی ،فسفری ،اهنی چیزی وردستت نی برای دفاع از خودمون..

کبد – چرا اهن دارم ماشالله تادلت بخواد این مدت صاحبمون روغن جیگر ماهی خورده ..

قلب – اره بنده خدا تا جایی که یادمه ماهیگیر بوده یه بار کنار اسکه با زیرشلواری هم عاشق شد"

مغز- این اطلاعاتو کی بهت داده نکنه اطلاعات از من میدزدی ..

قلب- واقعا که خیلی بی مخی ،خب من قلب هستم از احساسات صاحبمون خبردارم

کبد – ریه چرا حرف نمیزنی

ریه – {به سختی سرفه میکند } نمیتونم عفونتم بیشتر شده نایژهام از کار افتادن فقط میتونم اه بکشم

دود قلیان مثل کنه بهم چسبیده هیچ راهی برای تنفس واسم نذاشته ...

قلب – اخه طفلی ریه..

{باصدای نويز و موسیقی وحشیانه نور میرود }

قلب – فک کنم دوباره انگل پاتک دارن ..

کبد- آماده باشین برای دفاع

مغز – باتمام نیرو به جلو یک ،دو ،سه

{مغز ،قلب،کبد از داخل اتاقک های به بیرون پرتاب میشن نور می اید}

قلب – ریه و معده کجارفتن

کبد- حتما از سرویس شکم جاموندن..

مغز – معده وریه از کار افتادن ..

قلب - حالا چکار کنیم اینجوری که پیش بره ماهم تلف میشیم

مغز- من که دوباره صدای جیغ صراحابمون داره اذیتم میکنه

کبد- قلب توداری میلرزی ،نکنه ترسیدی

قلب - من هرچه باشم مثل تو نیستم که همیشه زهرت میترکه

مغز- { درحالی که از سر وگوشش خون میاد } من که دارم خون بالا میارم دلم واسه غده هیپوفیز تنگ شده

قلب - وای چشم روشن دربارہ غده به من چیزی نگفتی این مدت زن داشتی وپیشنهاد ازدواج به من میدادی

مغز- این حرفا چیه عزیزم غده هیپوفیز اجمیمه با مخ ومخچه روز تصادف ازبین رفتن .

کبد- بهت تسلیت میگم مغزی ایشالله غم اخرت باشه

{ صدای موسیقی وحشیانه شروع میشود وبعدصدای تپش قلب نورفلاشر برروی لوله گوارش انگل بزرگ باحالت سینه خیز درحالی که گردنش بالا هست ازداخل لوله گوارش بیرون میاد ومغز ،قلب،کبد حالت تدافعی میگیرن }

انگل بزرگ - {درحالت سینه خیزدرحالی که سرشوبالامیاره صحبت میکند } وای قلب تو چقد زیبایی ای کاش این دست های کثیفمو توی دست های تمیزت میزاشتم

کبد-کثافت اسکارپس باز که اومدی

انگل بزرگ- قصدمزاحمت ندارم واسه یه امرخیری اومدم..

مغز -به به انگل جان بزرگ میبینم که شاعر هم شدی چی تخلص میکنی شاعرجان..

انگل بزرگ -جیش تخلص میکنم ،نمیدونستم هنوز کار میکنی بیخود نیست که میگن همانا انسان راز عجیب افرینش اما مغز ازانسان عجیب تر ومرموزتر ..

قلب - شما انگل ها جز بیشعورترین جانورهای کره خاکی هستین ان قدر هم شعور ندارین که بفهمین از چه چیزی خوشتون میاد..

انگل بزرگ - { به قلب زل میزنه } وای قلب میگم شما ماشالله چقد قرمز هستین ،شکر ازچه رژیبی استفاده میکنی عزیزم

کبد-{بدش میاد} میشه این نفس گندتونو اون ور بگیری حالم از هرچه انگله بهم میخوره

انگل -شما خودتونو ناراحت نکنید کبدی کیسه صفرات میترکه ،من فقط دلم واسه کبد میسوزه که تا اخر عمرش باید مجرد بمونه

کبد- برو گم شو انگل کثیف به توجه ربطی داره توزندگی همه دخالت میکنی

انگل بزرگ – ببخشید شما به خوتون نگیرین ، مغز چرا حرف نمیزنی نکنه افسرده شدی

مغز- تابه حال هیچ به این فکر کردی یه قلب بشکنه

انگل بزرگ – ماکه مغز نداریم که فکر کنیم ،حالا چرا میخواد بشکنه ،نکنه بشکن بشکنه
ماخبرنداریم

مغز – چون یه انگل کثیفی مثل تو عاشقش شده..

قلب – بزارین میخوام در دبکشم تا وایسم شاید ساکت بشم ..

انگل بزرگ – اخه این چه کاریه اینجوری سخته میکنی قلب

مغز- ببین جناب انگل یه همکاری بین من وقلب هست یه راز فوق العاده که توهم نمیتونی بفهمی

قلب – منو مغز باهم یکی میشیم ..

انگل بزرگ – ولی قلم میخوای بایه اسیب دیده مونگول ازدواج کنی

کبد- {باحالت مهربانی} میگم انگل جون شما که عاشق شدین اصل ونسب هم دارین ؟

انگل بزرگ- وای تو روز روشن داری ازیه انگل اسکاریس خواستگاری میکنی

کبد-برو نکبت،اشغال پیش خودت چه فکری کردی بی اصل ونسب

انگل بزرگ – همه میدونن اسکاریس فرهنگی ترین قشر از طایفه بزرگ بندپایان هست مردان
بزرگی ه همچون ساس ،کنه،کک از طایفه ماهستن

مغز-حتما کنه با اون شکم گنده اش واون دماغ درازش بزرگ طایفه اتونه ...اگر بزرگی به دراز بودن
زرافه سلطان جنگله

انگل بزرگ- ازیه مغز بیشعور و معیوب بیش تر از این انتظاره نمیره

مغز- جواب انگل احمقی مثل تو خاموشیه

انگل بزرگ – درسته ما انگل ها احمقیم ولی مشکل جا معه ما بیشعورها هستن نه احمق ها هر وقت
مغزهایی بی شعوری مثل تو اصلاح بشن جامعه هم اصلاح میشه پس مشکل جامعه هیچ وقت احمق
ها نیستن

کبد – افرین خب تحصیلاتتون چیه ؟

انگل بزرگ –من در بزرگ ترین چاه فاضلاب درجه فوق لیسانس گرفتم

کبد- خوب الان کارتون چیه ؟

انگل بزرگ – کارم گلوداری هست ...

قلب –چی

انگل بزرگ – بادوستم کرم کدو که داره مدرک دکتر است چندساله توشکم گاو کار میکنیم ..
مغز- احسنت خوب چرا تو شکم همون گاو زن نگرفتی..

انگل بزرگ – خوب گاو ،قلبش سیاه هست مثل این که قرمز و خوشکل نیست شکر ...شکر..

قلب – { قلب تحت تاثیر قرار میگیره } میگم تا به حال عاشق شدی از عشق چه میدونی ...

انگل بزرگ – اره یادش بخیر اولین باری که عاشق شدم داخل چاه فاضلاب بود عاشق یه سوسک
شدم ولی بعد از اون روز دیگه اون سوسکو ندیدم تا این که چند وقت پیش در روزنامه صدای شکم
خوندم جسدشو داخل یخ اشپزخونه کنار یک دمپا پیدا کردن ...{بادست اشکاشو پاک میکنه }

کبد- واقعا متاسفم داغ سنگینی بود ..

انگل بزرگ – ممنونم کبدی جان ..

کبد- کبدی وزهرمار ،بچه پرروح کاری نکن پادزهر ترشح کنم ..

انگل بزرگ -قلب جان نمیخواهی بیای در اغوش شوهرت قرارگیری مگه مغزو نمیبینی داره از کار
میفته قول میدم خوشبختت کنم بزرگ ترین خونه را تو لوله گوارش واست بسازم ..

مغز- { درحالی که از سروصورتش خون میاد به سختی حرف میزند } گولشو نخورین ..داره کلک
میزنه

قلب – کورخوندی خیال کردی منم از این قلب هایی هستم که تا گفتمی لایک میفتن توبغلت اشتباه
گرفتی اقا از این جا هم دور شو بوی جوراب هات داره خفه ام میکنه..

انگل بزرگ – اشتباه نکن ...مغز مانند یک سم در شکم هست ازش دوری کن میخواهی بایه بی
مصرف به درد نخور همکاری کنی مغز دیگه نمیتونه به زندگی برگرده الان بیست روزه صاحبتون
تو کما هست

مغز – {فریادمی نه } سرم داره گیج میخوره شما ها کی هستین منو به حال خودم بزارین..

قلب – { بافریاد } دارم میلرزم فشارم داره بالا میره کبد باگلوبول سفید واهن بهش حمله کن...

{کبد با اهنی که در دست دارد به طرف انگل حمله ور میشود ..نور میرود ...سکوت ..صدای تپش
قلب ..نور میاید انگل ومغز در صحنه نیستن قلب رو صحنه افتاده هست }

کبد – پاشو قلب حالت خوبه

قلب – اره خداراشکر بهترم یه کم فشارم بهتر شده ما کجاییم مغز کجارتفته ..

کبد – مغز از کار افتاده صاحبمون هم فوت شده ریه ومعده هم با اون دفن شدن چون فقط ما دو تا
سالم بودیم از بدن اون جدا شدیم..

قلب – یعنی ما تنها زنده موندیم

کبد- اره خانواده صاحبمون میخواد ما رو اهدا کنه ..

قلب - یعنی چی کبد منظورتو نفهمیدم،میشه واضح تر صحبت کنی..

کبد- یعنی ما صاحب جدیدی پیدا کردیم خیلی ها هستن که برای زندگی دوباره به ما نیاز دارن

قلب - {بلند میشود خوشحال} واقعا وای خدا باورم نمیشه خوب الان صاحب جدیدمونو کجا پیدا کنیم

کبد - خوب منتظریم آقای دکتر بیاد مارا پیوند بده ،من باید کم کم برم فکر کنم باید اینجا به بعد از هم جداشیم ...

قلب - کبد کجا میخوای بری

کبد - جایی ندارم که برم میخوام برم اتاق عمل صاحب جدیدمونو پیداکنم

قلب - خوب صبر کن منم باهات پیام

کبد - باشه عزیزم

{ قلب وکبد دست دردست هم میزارن وباخوشحالی صحنه راترک میکنند نور میرود صدای جیغ وحشیانه موسیقی شروع میشود حالا صدای تپش قلب وبعد صدای یک تصادف شدیدصحنه خاموش میشود}

پایان

نویسنده حسن سالارمنش

پاییز 1396

(تقدیم به بیماران نیازمند اعضاء)

شماره نویسنده 09175049582

ایمیل: Hassan.salarmanesh@yahoo.com

(هرگونه اجرای وکپی برداری از متن منوط به اجازه نویسنده می باشد وباهرگونه تخلف برخورد قانونی میشود)

